

وکیل طایفه جعفر بائی

از طرف جعفر بائیها آدینه محمدترکمان تاجر مخصوص گموش تپه به وکالت ایلات منتخب شده، ماهی صد تومان به او بدهند. هفتم ماه جنواری قضات جعفر بائی به شهر آمده در انجمن مذاکره رفتن آدینه محمد را نمودند. مشارالیه بدطهران باید [برود] قرار می‌دهد جهت شرارت ایلات و رفع گدورت بین ولایت و تراکمه بشود. عجالاً قرار می‌دهد در این باب داده شد. ده روز دیگر آدینه محمد بدو کالت ایلات تراکمه بدطهران می‌رود.

نمره ۸۳

۱۸ جنواری

احداث مدرسه

بعد از فوت میرسعدالله خان ایلیخانی به تصدیق اعضای انجمن، امیراعظم خانه مشارالیه را که وقف مرحوم میرزا علینقی خان امیر پنجه، حسینیه بنانهاده و تخمیناً هزار و پانصد تومان قنوات شخصی فندرسک را وقف بر این خانه کرده بودند تشکیل مدرسه موسوم به «امیریه» داده‌اند. به قرب سی نفر اطفال کوچک و بزرگ را سه درجه قرار داده‌اند. ابتدائی ماهی هشت هزار — درجه دوم دوازده هزار — درجه سیم زبان فرانسه دو تومان — آقاسید مهدی حکیم دامغانی را برای معلمی فارسی و منوچهر خان دکتر را معلم فرانسوی قرار داده و شخصاً همه روزه دو ساعت به غروب به مدرسه رفته باشاگردان فرانسه خوان صحبت و شوخی و بابچه‌های خوش سیما لاس باطنی و همراهی ظاهری و عیش می‌نمایند. روزی در مدرسه مزبور یکی از شاگردان بزرگ نسبت به شاگرد کوچک تر حرکت بی‌قاعده که دلیل بر شیطنت و هرزگی آن بود می‌نماید. منوچهر خان دکتر مطلب را درک نموده خواست آن دو شاگرد را مجازات دهد. شاگرد اعتنائی نکرده دستی توی سینه فراش مدرسه زده فرار کرد. او را از پدرش خواستند. پدر آن شاگرد حاضر، حرفهای وحشیگری [زده] که پسر من این حرکت را نکرده نباید مجازات بشود. دکتر مزبور بدین سبب تعرض کرده اجازه از ایالت گرفته سیزدهم ماه جنواری از راه مازندران به سمت رشت حرکت نمودند.

در باب پولیس‌ها

به امر ایالت مبشرهایون مجاهد رئیس نظمیه به اتفاق بیگلریکی چهل و پنج نفر پولیس به سن پاترده سالگی الی بیست و پنج ساله گرفته ماهی شش تومان موجب و لباس به ایشان داده، شب و روز مشغول حراست و محافظت بلدیه بوده باشند. مبشرهایون خانه‌ای توی شهر اجاره کرده منزل نمود یک شب یک نفر پولیس را به اسم قراولی برده عرق زیادی داده فعل بدی با او می‌نماید. شب دوم هم یک نفر دیگر را به همین منوال.

شب سیم دونفر را انتخاب کرده برای مالیدن پا خواست. آن دو فراراً به خانه شیخ اسمعیل قاضی رفتند، مشارالیه آنها را خدمت حاج شیخ حسین فرستاده وقایع را عرض نمودند. حاج شیخ به امیراعظم اطلاع داده قرار شد آن سه نفر پولیس را خارج نمایند. مبشر همایون رئیس پولیس ها باشند، لکن به دستور العمل بیگربیگی رفتار و قدغن شود. چاتمہ قراولها را هم بردارند.

غرامت گوسفند قجق

به عرض رفته اهالی رامیان يك بلوك گوسفند طایفه قجق را چپاول و دونفر چوپان تیر گرفته بودند. حسب الامر ایالت فراشباشی با چند نفر قزاق و نماینده حاج شیخ حسین بدرامیان رفته بعد از رسیدگی واخذ مالیات گوسفندها را مسترد نموده از قرار مذکور برای حراست دونفر ترکمان دوهزار تومان از رامیان جرم گرفتند.

مراجعت مدیر روس

مدیر مزبور دوشب در بار فروش و هفت شب در ساری توقف نموده روز چهاردهم جنواری از راه خوجه نفس مراجعت نمودند.

سرقت مال سرخانکلاه

از ورود ایالت تاکنون تراکمه ایلغی سی و پنج رأس گاو، مال از سرخانکلاه دو فرسخی شرقی به سرقت بردند.

رفتن ایالت به منزل قربان نیاز

روز ۱۶ به عنوان شکار به اتابائی رفته، بعد از صرف ناهار مهربانی فوق العاده بد ترکمانها نموده مراجعت نمودند.

سرقت خانه توی شهر

هفدهم ماه مذکور محله سبز مشهد خانه اکبر نام قاجار را بیست و چهار تومان پول سفید، صد تومان طلا، سه ساعت به غروب به سرقت بردند.

نزاع روز ششم

هیجدهم جنواری مطابق ۶ ماه محرم که طوق بندی گذر سبز مشهد و سرچشمه بوده ورود ایالت در معلی در حین گردش چهار گذر از قرار معلوم آقا شیخ محمد باقر محرك شده حضور ایالت چوبها بلند شده که فوراً امیراعظم با چوب در میان اشرار آنها را متفرق نمودند.

نمره ۸۴

۲۵ جنواری

درباب نزاع روز ششم

بدعرض رفته بود بعد از اتمام نزاع ایالت صرف چای و قهوه نموده، چند نفر اعضای انجمن خدمت ایالت آمده بدون سبب و تقصیری ایالت را واداشته کربلائی، علی اکبر خان سرهنگ و حاج محمود آقارا بگیرند که نزاع امروزه به اشاره ایشان است در صورتی که ابداً اطلاعی از این کار نداشتند. روز نوزدهم مبشر همایون از طرف ایالت مأمور گردید کربلائی علی اکبر خان و حاج محمود آقارا به دیوانخانه برده دو ساعت به کربلائی علی اکبر خان چوب زده ایشان را حبس نمودند. بعد از دوشب نود تومان از کربلائی علی اکبر، پنجاه تومان از حاج محمود آقا جرم گرفته رها نمودند. در تمام این شهر کسی نگفت بدون تقصیر چرا جریمه و حبس گردید و تمام تعدیات امیر اعظم به اجازه حاج شیخ حسین رئیس است.

درباب معزولی وزیر

میرزا ابوالحسن خان وزیر مالیه استرآباد به سبب سخت گیری با آقایان حقوق اجزاء، انجمن به امیر اعظم شکایت کرده فوراً او را معزول و کتابچه مالیه استرآباد را موقتاً به معتمد همایون منشی ایالت واگذار نمودند.

درباب دیه تبعه روس

سابقاً به عرض رفته بود يك نفر ترکمان تبعه روس را در ملاکیله اهالی کرد محله تیرزده دست او ناقص شده، مطالبه دیه دارند. مدیر روس در سال قبل به صد و پنجاه تومان راضی بود اصلاح نماید. تا کنون به عهده تعویق بود. چندی قبل مدیر سخت گرفته، ایالت امر کرده شش صد و پنجاه تومان از بابت دیه دست ترکمان از رعایای کرد محله وصول توسط میرزا شکرالله خان نایب کارگذاری در قونسولگری تسلیم نمایند.

ورود سرباز دامغانی

بیستم ماه جنواری چهارصد نفر سرباز دامغانی به مأموریت استرآباد وارد شدند.

سرقت مال ترنگ تپه

ایضاً طایفه ایلغی هفت رأس از ترنگ تپه، دو رأس مال از شمس آباد سه فرسخی شرقی به سرقت بردند.

دسبه بندی ایالت

بر حسب امر ایالت، حبیب‌الله خان مدیر مدرسه امیریه شب نهم محرم به طریق دسته بندی طهران در مدرسه تشکیل عزاداری نموده اطفال مدرسه را در جلو و اسبان را سیاه پوش و بیرقهای متعدد بایک دسته سینه زن تماماً اجزاء و قزاق، در تمام محلات گردش می کردند. یک نفر قزاق شیشه نفت در دست داشته روی لباس خود ریخته بود خواست به روی مشعل نفت بریزد، فوراً خودش آتش گرفته از ترس خود را به خیمه جوکیها انداخته خیمه آتش گرفت. به هر طریق بود آتش را خاموش کردند.

تبعیت سالار مکرم

به عرض رسانیده لطفعلی خان کلبادی تبعیت روس را قبول نموده مدتی است در این باب با روسها مذاکره در تبعیت مشارالیه می نمایند. بیست و دوم ماه جنواری خبر رسید سالار مکرم به روسیه رفته رفع این مذاکرات بشود. تاچه اقتضا کند.

سرقت مال کلاه جان

بیست و چهارم ماه مذکور خبر رسید ترکمان جعفر بائی یک رأس مال از قریه کلاه جان سادات به سرقت بردند.

دعوت عمومی

ایالت قبل از محرم با اعضای انجمن دعوت شام قرار داده، هر شب در خانه یکی از ایشان می رفتند. در این دهه عاشورا به همین طریق میهمان یکی از اعضای انجمن در تکایا بودند.

نمره ۸۵

غره ماه فرواری

آوردن لوله های توپ

توپهای دهن پر که سابق در آق قلعه بود تراکمه جعفر بائی دو عراده را زمان اغتشاش برده بودند، ایالت امر کرده دو عراده را از جعفر بائی و دولوله توپ هم که در آق قلعه بود حمل به شهر نمودند.

رسیدگی حساب وزیر

۲۶ ماه جنواری حاج شیخ حسین با آقا رمضانعلی قاضی در تلگرافخانه حساب انتخاب السلطنه وزیر مالیه را رسیدگی نمودند. هزار تومان از بابت حقوقات مستوفی اخذ و از مشارالیه گرفتند.

ورود عباسقلی خان سر تیپ

ایضاً مشارالیه به ریاست بیست و پنج نفر قزاق به استرآباد آمده به مأموریت گنبد قابوس رفتند.

مجادله بین یارعلی و نورعلی

اوایل ورود امیراعظم چندروزی طایفه نورعلی در مقام خدمتگزاری برآمده، بعد طایفه یارعلی که رفت و آمد نمودند خود را مقرب ایالت و انجمن قرارداد طایفه نورعلی به شهر نیامدند. آدینه محمد و کیل تراکمه از طایفه یارعلی که به اتفاق گماشته ایالت به طهران رفتند نورعلی را بدآمده بنای شرارت را گذارده گفتند در صورتیکه تمام تاخت و تاز سال قبل با طایفه یارعلی بود حال مقرب درگاه شده اند. ماها آدینه محمدرضا به وکالت قبول نداریم. صدسوار جمع شده زیر قریه کرد محله سیصد و پنجاه رأس گاو متعلق به رعیت هزار جریبی را چپاول کرده بردند. فوراً پنجاه رأس گاو را فروخته تقسیم نمودند. امیراعظم بایک عده سوار ناصری سوار شده به عنوان شکار و مقصود گرفتن گاوها زیر حد قریه حیدرآباد فرستاده سران طایفه نورعلی را حاضر نمایند. تراکمه مزبور جواب کرده چند نامربوط برای امیراعظم پیغام کردند. آخر الامر ششصد تومان وجه خواسته گاوها را مسترد نمایند. تاجه اقتضا کند.

سرقت از توشن

۲۷ ماه مذکور خبر رسید دو رأس گاو تراکمه اتابائی از قریه توشن به سرقت بردند.

احضار خلق در انجمن

صبح ۲۸ از طرف ایالت جار کشیدند یک ساعت ونیم به غروب تمام مردم در انجمن بزرگ محله درب نو حاضر شوند. ایالت و اعضای انجمن در بیرون خانه منبری قرار داده که جنب سید باقر خرابه مشهور و قبرستان است. مردم جمع شدند. اول حاج واعظ شاهرودی به منبر رفتند توصیف از انجمن عدالت و مشروطه نموده بعد ایالت روی صندلی جلوس کرده یک ساعت تمام نطق نمودند، تفصیل به دارزدن مقتدر السلطنه را عنوان کرده، مردم نجیب قلوب غرض را به کنار بگذارند تماماً متحد باشند. قدری از فروتنی خود و تعریف از حاج شیخ حسین و سایر اعضای نموده که در باطن مبرهن است این توصیفات فریفته کردن آنها و اخذ وجه مسلوك از پرتو آنهاست.

گرفتن روسها وجه سند چهارساله

چهار سال قبل دورأس مادیان مسروقه يك نفر ترکمان قرقچی به کربلائی محمدخان یاورسواره فوجردی داده بود. کموسر روس از مشارالیه دو بیست و سی تومان الزام گرفته عین دوماال را بدهد. همان الترام را به توسط ایالت مطالبه کرده، کربلائی محمدخان

را مجبور نموده در قونسولخانه رفته اسب سواری و دورأس مال در ازاء ابن الترام بیست تومان هم سند نمه ۱۶۳ داده آمدند.

درباب سرتیب ذخیره

از طهران به رئیس ذخیره هژبرالسلطان تلگرافشد عوض شما به استرآباد می آید. ذخیره [را] تحویل نموده به طهران بیاید. به توسط اعضای انجمن ایالت امر کرده ذخیره تحویل آقا رمضانعلی باید بدهید و مشارالیه از ترس پناه به قونسولخانه روس برده چند مرتبه ایالت فرستاده بیرون نیامد. تاچه اقتضا کند.

درباب انداختن شب نامه ها

تقریباً ده شب می شود هر شبی ده نمره شب نامه به خط... ۱۶۴ از روی نمره در کوچه و بازار و توی دیوانخانه و معابر ها می اندازند و تمام این شب نامه ها برضدیت حاج شیخ حسین رئیس و بی اعتدالی او نسبت به اهالی و کنایه به امیر اعظم [است] و این شب نامه مردم را تحریض و ترغیب برای قتل حاج شیخ حسین می نماید. تاچه اقتضا کند.

عروسی ایالت امیر اعظم

شب غره ماه فرواری امیر اعظم صبیبه علی نام توشنی را به نکاح ۱۶۵ خود در آورده، چهل تومان وجه سفید، هفده اشرفی به پدرش دادند.

نمره ۸۶

۸ فرواری

حریق بندر جز

از قرار مذکور «کنطور» آقاییک مسیحی قره پطیانس در بندر آتش گرفته عمارت و ماشین خانه و پنبه های عدل شده به قرب هشتاد هزار تومان سوخت.

درباب شیخ محمدباقر

به توسط حاج شیخ حسین ایالت دونفر فراش دویم ماه فرواری به خانه شیخ محمدباقر فرستاده مطالبه مالیات سنه گذشته اوزینه را به انضمام چندین قبضه تفنگ و جعبه های ۱۶۶ فشنگ نمودند. فوراً سی چهل نفر از کسان آقا شیخ محمدباقر جمع شده مأمورین را بزنند.

۱۶۳ - اصل: نمی.

۱۶۴ - يك كلمه ناخوانا. شاید: ژلاطین.

۱۶۵ - اصل: نگاه.

۱۶۶ - اصل: جبهه های.

فراشها از ترس رفته وقایع را به عرض ایالت رسانیده در ضمن از طرف مدیر روس يك نفر غلام به منزل شیخ محمد باقر رفته احوال پرسى و اظهار معاونت به مشارالیه نمودند.

بردن شصت جفت گاو

ایضاً خبر رسید طایفه جعفر بائی شصت جفت «ورزای» کاری از زیر حد قریه کرد محله چپاول کرده بردند.

سرقهت پنبه ورسن

شب سیم ماه مذکور دزد طایفه جعفر بائی و اتابائی شش بار پنبه از قریه ورسن سرقهت کرده بردند.

سرقهت طلا در سرچشمه

شب ۴ فرواری از محله سرچشمه دو جفت گوشواره، سه عدد انگشتر طلا بانیم مثقال مروارید به سرقت بردند. رئیس نظمیه سه نفر از محله سرپیر را دستگیر، دو نفر را چوبه زد. شب بعد نصف طلا را به خانه صاحبش انداخته. تاجه اقتضا کند.

در باب سرتیپ ذخیره حسن خان هزار السلطان

امیر اعظم برای مدیر پیغام داد شما چرا یاغی دولت را پناه داده اید. مدیر از این پیغام رنجش کرده جواب داد از قرار معلوم این قونسلخانه که خانه امپراطور است یاغی می باشد. باین اتحاد فی مابین دولتین ایالت نباید حرف به این بزرگی را پیغام بدهد. حال که می گوید مایاغی دولت ایران را پناه داده ایم ربطی به ما ندارد. پناهنده به خانه دولت شده است. می تواند آدم فرستاده سرتیپ ذخیره را از این خانه بکشید. به همین جهت امیر اعظم برای ترضیه به قونسلخانه رفته، در صورتیکه بین لیانازوفیها ۱۶۷ با تراکمه خوجه نفس برای صید ماهی نزاع شده، گماشتگان لیانازوف در قونسلخانه حاضر بودند و اظهار داشتند ترکمانها همه روزه هزار ماهی صید می کنند. با لتکا حمل به حسینقلی و چکشگر کرده می فروشند. از طرف ما جلوگیری میشود، تماماً با تفنگ و شرارت دارند. ایالت جواب داده صدسوار به شما می دهیم ایشان را جلوگیری نمائید. جواب دادند از هزار سوار هم تراکمه اعتنائی ندارند. ایالت از ایشان تکلیف خواست. مدیر به ایشان گفت شما نوشته به ما بدهید با چند قبضه تفنگ و راندل ما خود از آنها جلوگیری می نمائیم که بعدها نگوئید روسها باعث اغتشاش سرحدی شده اند. والا می توانیم پنج هزار سوار برای تنبیه ایشان حاضر نمائیم. ایالت قبول کرده نوشته به ایشان داده، در ضمن تفنگ خواسته، بیست قبضه تفنگ به اجازه ایالت که سرتیپ ذخیره حضور داشت بایک جعبه فشنگ از ذخیره آورده تسلیم مدیر روس نمود. صبح چهارم فرواری گماشتگان لیانازوف به اتفاق مدیر

و میرزا جعفر منشی و غلامباشی قونسلخانه سوار شده بدخوجه نفس رفتند. ایالت هم برای اسکات طایفه نورعلی بدجعفر بانی رفته، در ضمن به قرب سیصد رأس گاو رعیت هزار جریبی را به دادن پول و خلعت و مهربانی پس گرفته آوردند.

نطق امیر اعظم

گاهی که در انجمن جلوس می کند یک طرف مردمان جنگلی و یک طرف فطانت و زیرکی خود را تصور و به خود عجب می ورزد و نطق می کند که محرك سرحدات ایران دولت فخیمه انگلیس و روس هستند و ما می خواهیم دست اجانب را کوتاه نمائیم. به این لفظ رکیک که محمدعلی میرزا... ۱۶۸... متصلاً از روسیه محرك است و نمی گذارد ایران آسوده بشود.

درباب شیخ محمد باقر

حاج شیخ حسین و سایر اعضای انجمن میل ندارند کسی تعدیات واجحافات آنها را اظهار نماید. کسانی که دو کلمه از روی قانون مشروطه حرف می زنند ایشان توسط ایالت برای او اسباب چینی [می کنند] و در مقام انهدام آن بر می آیند. من جمله شیخ محمد باقر می گوید نظامنامه که از طهران رسیده حاج شیخ حسین چرا زیر پا کرده به واسطه یک نفر رمضانعلی و حاج محمد اسمعیل این همه اسباب اذیت و خرابی اهالی استرآباد [است] و غرض می نمایند. قتل میر سعید الله خان فندرسکی را بدون استنطاق چرا باعث گردیده. غارت اموال علی محمد خان و ضبط اموال آن به کدام شریعت جایز است که عیال و اطفال مشارالیه با داشتن دو کروار اموال بعضی از شبها گرسنه بخوابند. ششم ماه فرواری در خانه حاج زکریا انجمن داشتند و ایالت را در آنجا خواسته گفت شیخ محمد باقر می گوید صد هزار تومان اموال علی محمد خان به ما رسیده، بر شما لازم است که او را در عدلیه حاضر نمائید. که این حرف را ثابت کند، والا باید متعهد شود فوراً از طرف عدلیه سه حکم برای احضار شیخ محمد باقر توسط علی اکبر نایب فرستاده هر آینه حاضر نشود روز دیگر جمعیت بدخانه اوریخته با کمال بی احترامی او را به عدلیه برده و خانه اش را تاراج نمایند. معظم الیه احکامات عدلیه را اعتنائی نکرده به دور انداخت. نایب علی اکبر مراجعت کرده. شب هفتم فرواری شیخ محمد باقر برای آسودگی خود سه ساعت از شب گذشته به قونسلخانه روس رفته، متحصن شدند. تاجه اقتضا کند.

نمره ۸۷

۱۵ فرواری

درباب سالارمکرم

از قرار مذکور حکمران مازندران برای سالارمکرم اسباب چینی کرده چهار نفر مأمور بدجهت گرفتن حسین خان سرهنگ برادر سالارمکرم به نارنج باغ فرستاده مشارالیه فرازا به کلباد رفت. بعد رعایای سالار در خورشیدکلاه ازدحام کرده انبار شلتوک مشارالیه را تاراج نموده می‌روند. حاج جعفر خان پسر سالارمکرم هم به ضدیت پدرش رفتار می‌نماید.

درباب تعرفه دادن به مردم

دهم ماه فرواری حاج شیخ حسین و اعضای انجمن در مسجد جامع رفته به اهالی شهر تعرفه دادند که تشکیل انجمن بلدییه داده شود. سی نفر از تمام محلات را رأی داده‌اند که شازده نفر از این اشخاص در مجلس دیگر منتخب گردیده به ریاست نواب منصور السلطان ماهی دومرتبه انجمن کرده قراری برای تنظیمات شهر داده شود.

درباب وجه اعانه

ایالت برای اخذ وجوهات اعانه تلگرافی به سپهدار نموده برای شرارت تراکمه ومالیات آنها تشکیل اردو لازم است، و این عده سرباز و سوار موجب می‌خواهند. خوب است که تلگرافی شود وجوهات اعانه آنچه جمع شده است اعضای انجمن برای مصارف اردو تسلیم نمایند. در ضمن چند روز است سه نفر از سادات بنی کریمی به امر حاج شیخ حسین به قرای سدن رستاق رفته از آحاد و افراد رعیت به جبر و عنف بداسم اعانه از مردمان بیچاره وجه دریافت می‌دارند. بعضی از رعایای فقیر که بضاعت ندارند از ترس وجه... ۱۶۹ گرفته تسلیم گماشتگان حاج شیخ حسین می‌نمایند.

درباب شیخ محمدباقر

به عرض رسانیده بود معزی‌الیه توسط تلگرافخانه روس تحصن خود را به سپهدار تلگراف کرده از طرف سپهدار تلگرافی به امیراعظم مخابره شد. چه علت دارد که اسباب توهین شیخ محمدباقر بر آمده‌اید. در صورتیکه مشارالیه مشروطه‌خواه و زحمات زیادی در این باب کشیده، ابداً کسی متعرض معظم‌الیه و کسان او نشوند و تلگرافی هم به خود شیخ محمدباقر نموده که تحصن شما در قونساخانه روس شایسته نبوده، برای اظهارات حقه خودتان به طهران بیائید. کمال امنیت و آسودگی می‌باشد. به موجب تلگراف سپهدار حاج شیخ حسین و سایرین متوحش شده روزی دوسه مرتبه آدم فرستاده شیخ محمدباقر

بیرون بیاید. رفتن معظم‌الیه به واسطه قراردادی بود که محرمانه با چندین نفر هم‌قسم شده زمانی که شیخ مذکور به قونسلخانه رفت بقرب صد نفر هم متابعت کرده بروند. بعد از تحصن شیخ محمدباقر سایرین هر يك بهانه کرده نرفتند. روز یازدهم ماه فرواری حاج شیخ حسین و حاج محمد اسمعیل بادوسه نفر دیگر به قونسلخانه رفته معظم‌الیه را اطمینان داده به منزلش آوردند.

درباب رفتن مدیر به خوجه نفس

به عرض رفته بود به توسط دریابیکی به قرب چهل لتکا که تراکمه تماماً با تفنگک صید ماهی می‌کردند جلوگیری نموده، تفنگهای تراکمه را با تمام لتکا توقیف کرده که این دوسه ماهه را صیادی نکنند.

درباب سرقت مال

ایضاً سیزدهم ماه فرواری خبر رسید سه رأس مال از قریه سرمحله شش فرسخی مغربی سرقت کرده بردند.

درباب غرامت الاغ

روز مذکور امیراعظم با چند نفر ترکمان به عنوان شکار بیرون دروازه [رفته] و تفنگک خالی می‌کند. یک نفر مسیحی اتباع روس پشت باغ مرحوم ساعدالدوله زمین شخم می‌نموده الاغی هم داشت، تیر خطاب به الاغ خورده سقط شد. شخص مسیحی عریضه به مدیر روس داده عین عریضه آنرا به دیوانخانه فرستاده دوازده تومان غرامت الاغ را ایالت فرستادند.

درباب تیر خوردن به دست سالداد ۱۷۰

چهارپنج نفر سالداد روس در وقفه شب کشیک می‌کشیدند غفلتاً تیری به دست سالداد خورده از قرار راپرت سرحددار بندر جز که سالداد اشتباهی تیر انداخته به دست سالداد دیگر وارد شده است. روسها می‌گویند از طرف خوجه نفس این تیر وارد شده. پانزدهم فرواری مدیر روس بامیرزا شکرالله خان کفیل کارگزاری و میرزا جعفرخان منشی برای رسیدگی و استنطاق به خوجه نفس رفتند. تا چه اقتضا کند.

نمره ۸۸

۲۲ فرواری

درباب قتل ترکمان

۱۶ فرواری دونفر ترکمان ایلغی به سمت نوده آقا نظام‌الدین می‌رفتند. زیر حد قریه

تزدیک تپه دونفر دهاتی، نزدیک آنها رفته هر دو رابه قتل رسانیده تفنگ و دوراس مال آنها را گرفته رفتند.

مراجعت مدیر روس

۱۷ ماه مذکور مدیر از خوجه نفس مراجعت کرده از قرار مذکور به قرب بیست نفر تراکمه را آورده اسکان نموده اند. ابدأ معلوم نشد که دست سالداد را کی تیرزده. به طور حدس چون سالداد مست بوده و گلوله فلزی بود تیرخطا وساعت شش از شب تفنگ شخص سالداد بوده است.

در باب تشکیل اردو

روز مذکور ایالت زیرحد دروازه فوجرد تشکیل اردو داده و خود با اجزاء و یک عده سوار ناصر و سربازهای دامغانی و فوج سمنانی که تازه ورود نموده بایک عده سواران شاهرود و بسطامی بدانضمام سربازهای هزارجریبی در اردو منزل نمودند.

ورود رئیس ذخیره

میرزا عبدالحسین خان سرهنگ وارد. محمدحسن خان سرتیپ فیوضات و تفنگهای ذخیره را توسط میرزاهادی سررشته دار تسلیم نمودند.

ورود رئیس پستخانه

هیجدهم ماه فرواری میرزا غلامحسین خان رئیس پست سمنان به ریاست پستخانه استرآباد وارد شدند.

تشکیل نظار انجمن

از طهران لایحه ای برای انجمن استرآباد توسط ایالت و رئیس عدلیه رسیده، چون دو سال است که مدت انجمنهای جزو منقضی گردیده لهذا به معرف شش نفر نظار انجمن استرآباد را از روی نظامنامه مشخص نمائید، بیستم ماه مذکور تمام علمای بلدرا با تجار در عدلیه احضار کرده، شش نفر برای دادن تعرفه ناظر معین نموده که از یوم ۱۴ صفر مطابق ۲ ماه فرواری به اهالی بلد تعرفه داده، اعضای انجمن را رأی داده برقرار نمایند. لکن اشخاصی که سابق عضویت داشته شب و روز در محلات آدم گماشته بعضی به خواهش و برخی را به وعده همراهی که زمان گرفتن تعرفه رأی خودرا برای اشخاص سابق بدهند.

در باب قتل ترکمان

اولا تراکمه ایلی قاتل خود را سرخانکلائی و رعیت ملک را می دانند، برای ایالت پیغام داده تاکنون محض خاطر شما و مشروطه خواهی از ماها حرکت بی قاعده سر [ترده و] صادر نشده، بدون جهت دونفر آدم مارا که چوپان بودند به قتل رسانیده، هرآینه قاتل

را به مادادید فبها المراد والا عازم باشید که باطایفه ایلغی و اتابائی نزاع داریم. ایضاً محمدخان ایلغی به تمام طایفه یموت آدم فرستاده و سوار خبر کرده. تا چنانقتضا کند.

مأموریت ساعد لشکر

ایالت، ساعد لشکر را به اتفاق ستارخان مجاهد امر کرده این دو نفر قاتل رایباورند. ازدهات استرآباد رستاق الی خاک فندرسک هر کجا باشند دستگیر کرده تا جواب تراکمه رابدهند. تاجه شود.

احضار خوانین تراکمه

ایضاً کربلائی محمدخان داروغه به امر ایالت به صحرارفته خوانین آتابائی و ایلغی را خدمت امیر اعظم آورده درباب قتل دو ترکمان که اصلاً از طایفه آتابائی بوده به طوری آنها [را] ریشخند نماید که باعث شرارت نشوند. تراکمه آتابائی که بعضی مالدار بوده در جنب قردسو آماده بودند، تماماً کوچیده زیر گرگان ساکن و خوانین یموت جواب کرده نیامدند. تاجه شود.

نمره ۸۹

غره مرچ

درباب سرقت مال

شب ۲۳ ماه فرواری دزد طایفه جعفربائی دو رأس مال، یک رأس گاو از قریه لمسک به سرقت بردند. ایضاً تراکمه جعفربائی دو رأس گاو از قریه کلو یک فرسخی مغربی به سرقت بردند.

درباب سید ابراهیم

سابقاً به عرض رسانیده بود مشارالیه باشبرد تبعیت از بادکوبه صادر نموده برای ملک موروثی بابرادرش نزاع کرده از طرف عدلیه فراش او را به عدلیه حاضر کرده، به رئیس عدلیه و سایرین نامربوط می گوید. رئیس عدلیه امر به حبس می نماید. توی مجلس طپانچه به سوی برادرش خالی کرده او را چند ساعتی در حبس نگاه داشتند. مدیر قونسولگری به ایالت نوشته مشارالیه را به قونسولگری فرستادند. قرار شد برای ثبوت تبعیت سید ابراهیم از بادکوبه سؤال نماید. تاجه شود.

سرقت از لمسک

شب ۲۴ ماه مذکور تراکمه جعفربائی دو رأس مال از قریه لمسک به سرقت بردند.

قتل ترکمان ایلیغی

به عرض رفته بود ساعدلشکر به امر ایالت مأمور شده قاتل را دستگیر نماید. برای رفع اتهام خود دونفر برادرزاده خود را با پنج نفر رعیت حسین آبادی خدمت ایالت فرستاده، یک شب در اردو حبس داشته. روز بیست و ششم موسی خان ترکمان به اتفاق چند نفر پیر مردان ایلیغی و اتابائی در اردو آمده مطالبه خونی نمودند. چند نفر از طرف ایالت با تراکمه مذکور یک ماهه مهلت قرار داده که تفحص نمایند. هر آینه قاتل به دست آمد که تقاص نمایند والا از این چند نفر که ساعدلشکر فرستاده هر یک را تراکمه سوءظن داشته باشند ایالت یا مجازات یا خون بست نماید.

ورود فشنگ

روز ۲۷ فرواری به قرب صد جعبه فشنگ و گلوله ۱۷۱ توپ از طرف شاهرود حمل نموده به اردو بردند.

تفنگ حاج رحیم خان

ایضاً به امر ایالت محمدخان ترکمان ایلیغی اسب و تفنگ پنج تیره که از حاج رحیم خان مقتول در دست داشت توسط مولام ترکمان فرستاده تسلیم حاج شیخ حسین رئیس نمودند.

دزد ترکمان به شهر

شب ۲۸ ماه مذکور دزد طایفه ایلیغی بد شهر آمده کاروانسرای حاج آقامحمدی [را] می شکافتند. پولیسهای شهر رسیده چندتیر تفنگ زده فرار کردند. به اردو رفته اسب سرقت نمایند. سربازهای قراول با خبر شده بین سربازها و سارقین چندتیر تفنگ رد و بدل شده ترکمانها رفتند.

آمدن تراکمه قجق

غره ماه مرچ پنجاه نفر از پیر مردان طایفه قجق و ایکدر همراه میرزاهادی خان سرتیپ خدمت ایالت آمده کمال پذیرائی و مهربانی را بایشان نموده هر یک را یک طاقه شال خراسانی خلعت داده رفتند.

نمره ۹۵

۸ مرچ

سرقت مال

شب دویم مرچ دزد طایفه جعفر بائی یک رأس اسب از قریه کفشگیری به سرقت بردند.

قتل يك نفر كتولی

ایضاً خبر رسید تراکمه طایفه داز به مزرعه کتول دزدی رفته صاحب‌خانه خبردار شده او را تفنگ‌زده کشتند.

سرقت دو تاجه قماش

شب سیم ماه مذکور مکاری شاهرودی يك بار قماش از قزلق حمل نموده شب‌را به قریه قرن‌آباد دوفرسخی شرقی توقف داشته. تراکمه ایلغی يك بار قماش را سرقت کرده بردند.

درباب ایالت

امیراعظم زمان حرکت از طهران ده ۱۷۲ هزار تومان وجه گرفته به استرآباد آمده. از بابت وجوهات اعانه و مالیات استرآباد تاکنون سی هزار تومان دریافت کرده ماهی دو هزار و پانصد تومان از بابت حقوق شخصی و مواجب يك ماهه سوار ناصر حساب می‌نماید. چندروز قبل برای مخارج اردو بیست و چهار هزار تومان از طهران مطالبه داشته، جواب ایالت را به حاجی مجیرالسلطان لشکر نویس تلگراف شد. آنچه ایالت استرآباد دریافت کرده صورت بدهید. معظم‌الیه در این باب ملاحظه و واهمه دارد.

درباب تغییر انجمن

به عرض رفته بود مدت سه روز هزارویکصدوسی و شش تعرفه به اهالی بلدداده شد، تماماً به میل حاج حسین و رمضانعلی قاضی. افتتاح تعرفه در عدلیه ششصد و خورده به اسم حاج شیخ حسین و همان اشخاص سابق و چهارصدوسی تعرفه به اسم شیخ محمد باقر و غیره که اعضای انجمن اشخاص سابق می‌باشند. لکن به قرب دو بیست تومان آقا رمضانعلی محرمانه به مردم داده به اسم ایشان رأی داده شد. امیراعظم هم برای دخل خود بایشان همراهی تأمه‌را نموده به مقصود خود نایل شدند.

درباب سرقت گاو

شب ششم ماه مذکور دزد طایفه آتابائی دو رأس ورزا از قریه سعدآباد سرقت نموده بردند.

رفتن مدیر بندر جز

چندی است حرکات روسها در استرآباد به طور پولتیک است و اکثر در حرکت می‌باشند. به این لحاظ در طایفه یموت شهرت یافته محمدعلی‌شاه کاغذی به تراکمه یموت نوشته که در اوایل بهار با عده زیادی از قشون روس به جرجان زمین خواهیم آمد و شماها

بی‌جهت تاخت‌وتاز نکنید. هفتم ماه مرچ مدیر روس به اتفاق نایب و منشی و یک نفر غلام بندر جز رفتند. از قرار مذکور یک «پراخوت» جنگی روس نزدیک بندر آمده به رئیس گمرکخانه اعلان نمود که بیرق شیروخورشید را بخوابانید، ایشان هم پذیرفتند.

نمره ۹۱۵

۱۵ مرچ ۱۹۱۰

سرقه مال

شب نهم ماه مرچ دزد طایفه داز به قریه‌والش آباد سه‌فرسخی شرقی رفته دورأس مال‌سرقه کرده بردند.

درباب سرقه قماش

به عرض رفته دو تاجه قماش که متعلق به حاج‌ملاحسن یزدی بود، درجوف بارچند جعبه‌گر برای فروش بود ترکمانها برده‌بودند. دهم ماه مذکور نواب والا امیراعظم باچهل نفر سوار ناصری به اتابائی رفته دو نفر ترکمان به اتفاق کربلائی محمدخان داروغه به ایلغی نزد محمدخان ترکمان فرستاده که تاجه قماش را گرفته آوردند.

درباب پیغام مدیر به ایالت

روز مذکور نایب تلگرافخانه روس بیرون شهر عبور می‌کرد، تیرخطائی از پهلوی او زده شده مراجعت به قونسولگری به مدیر اظهار داشته فوراً مراسله رسمی از طرف قونسولگری به ایالت نوشته شد مرتکب را حاضر نماید.

درباب سرقه اسب

شب یازدهم ماه مرچ دزد طایفه ایلغی یک اسب به انضمام یک رأس گاو از قریه سرخونکلاته به سرقه بردند.

درباب سالارمکرم

سابقاً به عرض رفته بود مشارالیه به روسیه رفته است. لکن در عشوراده توقف نموده حسین‌خان سرهنگ برادرش در عشوراده پناه برده تاکنون ده ۱۷۳ هزار تومان برای تبعیت خود مصارف نموده به جائی نرسید، فقط سالارمکرم در حمایت دولت روس می‌باشد و عنوان تبعیت ندارد.

درباب چپاول گاو

دوازدهم ماه مرچ تراکمه ایلیغی صد رأس گاو از قریه نوده دوفرسخی شرقی چپاول کرده بردند.

درباب گوسفند کتول

ایضاً خبر رسید تراکمه طایفه داز یک بلوک گوسفند از قریه الوستان چپاول کرده بردند.

احضار سوار و ایلجار

اولاً به امر حاج شیخ حسین رئیس برای سرقت دهات نواب والا اجازه داده در شب دزد تراکمه را تفنگ بزنند. ثانیاً چند حکم از طرف ایالت در بلوک فندرسک و کتول و استرآباد رستاق و سدن رستاق فرستاده شد که سوار و ایلجاری پنج روزه وارد به اردو گردیده، ایالت خیال دارد اردو را حرکت داده در نارتید سرحد طایفه ایلیغی منعقد نماید که به دستور العمل حاج شیخ حسین تلافی سال قبل شده باشد. تاجه اقتضا کند.

درباب نظمیة

وزیر داخله تلگرافی به ایالت استرآباد نموده است که ماهی پانصد تومان حقوق شصت نفر پولیس و رئیس آنها از بابت مالیات محل امضاء نخواهد شد، رئیس نظمیة باید این حقوق را از غیر محل که از قبیل باج شتر و باج نفت و نمک و جای و غیره دریافت نماید. تاجه اقتضا کند.

درباب سوار محمدقلی خان سرتیپ

نواب والا هشتاد نفر سواره مرحوم صادق خان کرد محله متعلق به محمدقلی خان رانصف کرده چهل سوار به حیدرقلی خان کیائی داده بود. سپهدار تلگراف سخی در این باب به ایالت کرده تمام سوار را به محمدقلی خان واگذار نمودند.

نمره ۹۳۵

۲۹ ماه مرچ

تلگراف وزیر خارجه

۱۶ مرچ وزارت خارجه تلگرافی به کفیل کارگذاری از استرآباد نموده از این تاریخ قدغن اکید شده که نوشتجات و اسناد به مهر دولتی ممنوع و امضاء نخواهد شد.

بردن گامیش کردمحلله

طایفه جعفربائی چندی است در اردو خدمت ایالت آمده انعام و جایزه می گرفتند. طولسخان ساکن بش اوسقه به عنوان گرفتن خلعت ایالت آمده يك شب در صندوقخانه مانده از طرف ایالت اعتنائی به او نشده. مراجعت به جعفربائی شب ۱۷ ماه مرچ چندسوار برداشته ده رأس گاو از قریه کردمحلله چپاول کرده بردند.

چپاول گاو ایلوار

مولام ترکمان چندی خدمت ایالت رفت و آمد می کرد که از طرف حاج شیخ حسین ونواب والا ساخلوئی سرخانکلاه بدو داده شود. تسامح در این کار دیده بنای اغتشاش را گذارده پنجاه سوار طایفه داز وایلغی همراه برداشته بیست رأس گاو از قریه ایلوار سه فرسخی مغربی چپاول کرده بردند.

درباب سالار مکرم

رفتن مدیر روس بندرجز برای ملاقات سالار مکرم بوده در عشوراده رفته حسب الامر وزیرمختار با مشارالیه مذاکره داشته که شما در حمایت دولت مامی باشید واطمینان می دهم که از راه بادکوبه به سمت رشت و طهران بروید کارهای خود را اصلاح نمائید. سالار مکرم از مدیر خواهش کرده برای جمع آوری وجوهات نقدی و رسیدگی املاک شخصی میرزا جعفر منشی را به اشرف فرستاده سرپرستی نمایند. منشی قونسولگری تاکنون ازمازندان مراجعت نکرده.

تلگراف طهران

ایضاً مجتهدین استرآباد و انجمن به موجب تلگراف علمای دارالخلافة بودن قشون روس در خاک ایران باعث تکسر رعیت و دولت است، به این جهت باید عید نوروز را تعطیل کرد. مشروطه خواهان عید نداشته باشند. به امر حاج شیخ حسین در بازار جار کشیدند نوزدهم ماه مرچ تمام خلق در مسجد جامع حاضر باشند. حاج شیخ به منبر رفته صورت تلگرافی را قرائت داشته، سبب آمدن قشون اجانب در سرحدات این نوروز بر ما عزا می باشد و شرحی شکایت از کارگذاران دولت روس نموده و مردم را قدغن کرد عید نگیرند. خلق از عنوانات حاج شیخ حسین تعجب کرده تماماً سروپا ایستاده گفتند هر آینه ایران را روس و دولت انگلیس تصرف کرده اند... ۱۷۳ که ماهم از وقت آسوده بشویم واز مسجد بیرون رفتند.

تعرض مدیر روس

راپرت مسجد را غلام قونسولگری به مدیر داده برای ایالت پیغام دادند که برای

قشون روس در ایران عید را تعطیل نمودند، لهذا ما هم دیدن نخواهیم کرد. هشت مرتبه میرزا شکرالله خان کفیل کارگذاری در این باب به قونسولگری رفته مذاکره زیادی شد. آخر الامر نوشته دادند که ما عید داریم. سه به غروب برای ملاقات ایالت به اتفاق تلگرافچیها اردو رفته مراجعت کرد. لکن نواب والا روز ۲۲ مرچ مقارن ظهر در اردو سلام نشسته تمام صاحب منصب و سرکرده ها را دعوت داشته، بعد از صرف نهار هر يك پنج هزارى طلا عیدی داده بعد نطق نمود که من چندین تلگراف و کتبی به سپهدار یا وزیر داخله فلان فلان شده نوشتم که در آن فحش زن... ۱۷۵ نبود. سرحد با این اغتشاش پول و سوار لازم است، ابدأ جواب نمی دهند. حال بر شماها لازم است عموماً تلگراف نمائید، هر آینه پول دادند دست به هم داده سرحد را نگاه داری می کنیم. باز هم جواب ندادند هر يك ابواب جمعی خود را گرفته بروید. من هم به سمت شاهرود و کلاته خبیج بسطام می روم. نواب والا دو ماه است مشغول ساختن عمارت در کلاته خبیج بسطام می باشد. تاجه اقتضا کند.

بردن گاو

بیست و سیم ماه مرچ سوار طایفه ایلغی و اتابائی هیجده رأس گاو از قریه له له دوین چپاول کرده و به گماشته روس فروختند.

بردن دو اسیر

شب بیست و پنجم سوار طایفه داز و ایلغی به قریه کناره دهات ملک چپاول رفته دو نفر چوپان را اسیر، يك بلوك گاو چپاول کرده اهالی قریه خبردار شده گاوها را گرفتند.

آمدن سوار فندرسک

بیست و ششم ماه مرچ چهل نفر سوار فندرسکی و سیصد نفر ایلجاری ۱۷۶ با میرزا هادی خان سرتیپ به اردو آمده نواب و الاسوارها را در اردو نگاه داشته ایلجاری را مرخص کرده رفتند.

تلگراف سفارشی برای علی اکبر خان

ایضاً سپهدار تلگرافی به ایالت نموده علی اکبر خان پسر میرسعیدالله فندرسکی کمال محبت و مهربانی داشته شغل آن مرحوم را به او واگذار نمایند سزاوارست.

آمدن کموسر روس به جعفر بانی

۲۸ ماه مذکور خبر رسید کموسر روس با دوازده نفر جکت برای سرقت مالهای تراکمه اتباع روس به اتابائی آمده يك شب در آق قلعه و به گموش تپه رفتند.

۱۷۵ - از آوردن فحش پرهیز شد.

۱۷۶ - اغلب ایلجاری ذکر شده است.

نمره ۹۳

۶ ماه اپریل

درباب تحریک ایالت

قبل از حرکت به شاهرود يك قبضه تفنگ پنج تیره و يك رأس اسب، سیصد تومان وجه نقد به محمدخان ایلیغی داده یاغی گری نمایند.

درباب حرکت نواب والا

روز سیام ماه مرچ نواب والا چهل رأس قاطر از حاجی محمدتقی استرآبادی به صدوسی تومان کرایه نموده به اسم آن که برنج حمل نمایند. نصف یا تمام اجزاء و سوار ناصروسوار امیری شاهرود بسطامی و چند نفر ترکمان آتابائی حرکت به سمت شاهرود، به موجب دستورالعمل نواب والا چند تراکمه آتابائی مراجعت به جنگل زیارت خاصه رود، هفتاد رأس گاوگالش را به انضمام يك رأس مادیان و يك قبضه تفنگ و راندل چپاول کرده بردند.

درباب چپاول گاو

ایضاً طایفه آتابائی سی و دورأس گاو از قریه لمسک يك فرسخی مغربی چپاول کرده بردند.

رفتن اعضای انجمن در تلگرافخانه

فرار نواب والا امیر اعظم راهالی انجمن سی و یکم ماه فهمیده، عموماً تلگرافخانه رفته شکایت کردند که علاءالدوله را به حکمرانی استرآباد بفرستید. سپهدار تلگرافی برای سفارش سرحدی به ساعدلشکر نموده در ضمن وحشتزایدی به قرای شمالی افتاده، سه چهار قریه فوراً اجناس خانه و اهل و مواشی خود را به شهر آورده از ترکمان ایمن باشند. شب غره ماه اپریل خبر دادند که هفتصد سوار ترکمان به شهر خواهند آمد، اهالی بلد متوحش شده ساعدلشکر و صمصام لشکر به اتفاق پنجاه نفر تفنگچی بیرون دروازه رفته تاصیح کشیک می کشیدند، در صورتیکه خبر بی اصل بود.

درباب پولیسا

شصت نفر پولیس ابوابجمعی مبشره مایون پنجاه و دو روز است موجب نگرفته استعفاداده. اکثر تفنگهای دیوانی را در عوض موجب خود پنهان نموده برای خدمت حاضر نشدند، من جمله يك نفر پولیس اسب سواری مبشره مایون رئیس نظمیه را گرفته به آتابائی رفت. به توسط ساعدلشکر نایب الحکومه اسب را مسترد نمودند.

درباب چپاول گوسفند

ایضاً سوار جعفر بائی به قریه ورسن يك فرسخی مغربی آمده دو بلوك گوسفند چپاول کرده می‌برند. اهالی قریه حیدرآباد خبردار شده جلوگیری می‌نمایند. يك نفر ترکمان مقتول، دونفر هم تیرگرفته دو اسب از تراکمه مانده، گوسفندها را پس گرفتند.

درباب نزاع غلام قونسولگری

دویم ماه مذکور، قنبر ۱۷۷ نام غلام قونسول روس برای نزاع دونفر بچه باحسن نام سرپیری نزاع می‌نماید. چوبی به سر قنبر غلام وارد شده شکست. برادر قنبر، محمدنام چاقوئی به کتف حسن نام زده بعد از اظهار قنبر غلام به مدیر روس سه نفر قزاق بایک نفر غلام از توی مسجد جامع که ختم حاج عبدالصمدخان بود عبور کرده به خانه حسن نام ریخته او را به قونسولگری برده در بود کفیل کارگذاری حسن را امر به مجازات يك شب حبس کرده رهانمودند. لکن از بابت جراحت سر قنبر نام طرفین اصلاح نمودند.

درباب چپاول گوسفند

ایضاً به تحریک ایالت سوار ایلغی دو بلوك گوسفند، صدرأس گاو از کتول چپاول کرده بردند.

درباب نزاع سربازها

روز مذکور سربازهای سمنانی در بیرون شهر در سرقمار با اهل محله درب نو نزاع کرده چوب زیادی زده و به مشروطه خواهان فحش و نامربوط زیادی می‌گفتند. اعضای انجمن در عدلیه رفته از صاحب منصب فوج بازخواست نموده قرار شد سربازها را سه پایه ببندند. لکن بعد از حرکت ایالت که اردو برهم خورد اهالی بلد اجناس زیادی به غارت بردند. سربازهای سمنانی و دامغانی و غیره اکثر بدون اجازه صاحب منصب به خانه رفتند.

درباب تلگرافی انجمن

ایضاً اهالی انجمن تلگرافی به وزیر داخله نمودند، سرحد به این اغتشاش، نواب والا بدون جهت فرار کرده، در صورتیکه سی هزار تومان از بابت وجه اعانه و غیره از تجار دریافت نموده مالیات را هم زیاده از حد از باوکات گرفته و نصف حقوق و استمراری هم معوق و قبوضات را برده. تکلیف را معین نمایند. وزیر داخله تلگرافی دوستانه به ایالت نموده که حرکت شما از استرآباد باعث تجری ترکمان و کشتار فامیل شما خواهد بود. البته مراجعت به استرآباد [کنید]. لدی الورود پول هم به شما خواهد رسید. تاجه اقتضا کند.

فوت عبدالصمدخان امیرپنجه

سه روز قبل عبدالصمدخان حاج موقرالملك امیرپنجه رئیس طایفه مقصودلوی پدر زن حاج شیخ حسین رئیس انجمن در سن صدوده سالگی دنیای فانی را وداع نموده درمسجد جامع سه روز ختم داشتند.

انقلاب كتول

۴ ماه اپریل خبر رسید به واسطه اغتشاش بین مباشرین كتول نزاع سخت شده پنجاه خانوار کوچیده به خاك ملك آمدند.

معزولی اگنط بارفروش

میرزا شریف برادر میرزا جعفرخان اگنط بارفروش از بابت وجوهات تذکره دو مقابل از رعایای روس می گرفت، به این جهت اتباع روس شکایت کرده میرزا شریف را معزول، يك نفر تاجر باشی بادکوبه به جای او برقرار شد.

نمره ۹۴

۱۶ ماه اپریل

درباب چپاول کردمحل

هفتم ماه اپریل خبر رسید چند سوار جعفر بائی يك فرسخی کردمحل بسخو داشته خواب رفتند. اهالی کردمحل خبردار شده پنج رأس اسب آنها را گرفته رفتند.

درباب تلگراف امیر اعظم

ایضاً نواب والا به ساعدلشکر نایب الحکومه تلگراف نمود، به موجب خواهش وزیر داخله چند روزی به دامغان سرکشی کرده، مراجعت به استرآباد خواهم نمود. تاجه شود.

درباب چپاول خیرات

شب نهم ماه مذکور سوار طایفه داز به خیرات دوفرسخی شرقی رفته يك بلوك گاو قریه دودانگه را چپاول بایك بچه اسیر کرده آوردند زیر حد سرخونکلاه. سفیده صبح دمیده اهالی معصوم آباد گاوها را از تراکمه پس گرفته بچه اسیر را بردند.

درباب سرقت

روز دهم ماه اپریل دو ساعت به غروب از خانه کربلائی زکی بقال در محلله باغشاه به قرب دویت تومان طلای ساخته و نقره و غیره به سرقت بردند.

درباب نوده آقا نظام‌الدین

به عرض رفته بود قبل از رفتن نواب امیراعظم طایفه ایلغی یک عده گاو از قریه مزبور چپاول کرده بعد از حرکت ایالت مجدداً تراکمه ایلغی چهل رأس گاو [از] نوده چاپیده و رعایا از ترس متواری شدند.

درباب آمدن سوار

شب یازدهم سی سوار طایفه داز و ایلغی به شهر آمده جنب دروازه آق قلعه توی باغچه یک بلوک گوسفند بوده بردند. چند نفر مستحفظ در آنجا بوده ساعت هشت از شب خبردار شده چندتیر تفنگ بین ایشان رد و بدل شده دست خالی رفتند.

درباب قتل کتولی

شب سیزدهم ماه مذکور یک نفر کتولی به قریه شمس آباد سه فرسخی مشرقی وارد شده دزد طایفه داز در آنجا رفته مال کتولی را سرقت می نماید. کتولی بیدار شده مال خود را بگیرد. ترکمانها او را مقتول [ساخته] و مالهارا رها کرده فرار کردند.

درباب تلگراف رامیان

۱۴ ماه مذکور از رامیان به حاج شیخ حسین تلگراف کردند سوار تراکمه یاغی چندی به طرف کردستان رفته با بنه زیادی از راه نردین مراجعت می کردند. رامیانیها به سرداری شیخ عبدالحسین سر راه یاغی را گرفته دو بیست نفر متجاوز از تراکمه مقتول و مجروح شده اموال غارت شده و اسب زیادی از آنها چپاول نموده آوردند. حاج شیخ به فراش تلگرافخانه پنج تومان انعام دادند.

درباب تحریک روسها

دو هفته قبل کموسر به عنوان سرقت مالهای اتباع روس از راه آق قلعه به سمت گموش تپه می رود. نتیجه آمدن مشارالیه این است چند کاغذی به توسط حاج آراز ترکمان ساکن گموش تپه به اسم سران تراکمه یموت از قول محمد علی شاه فرستاده که فوری اردو نمایند که دو نفر سردار محترم وارد به کراسنودسکی شده به همین زودی به گموش تپه خواهند آمد. حاج آراز پاکتهارا در تمام ایلات یموت انتشار داده اکثر از تراکمه این پولتیک را صدق دانسته حاضر شدند برای شرارت و انعقاد اردو، من جمله طایفه داز و بعضی از تراکمه آتابائی قبول نکرده، مراجعت کموسر روس از گموش تپه دستور العمل برای شرارت به محمدخان ایلغی داده یک قبضه تفنگ پنج تیره فلزی انعام کرده به زودی اردوی مزبور را مهیا نماید. لکن تراکمه اعتنائی به حرف محمدخان نداشته و کموسر روس هم به سمت گوکلان رفته قایم ایشان امام جمعه که رئیس کل طوایف یموت است محرك [شده] به همین حرفهای اراجیف سرحد را برهم زد، به مقصود اصلی نایل گردید. تاجه اقتضا کند.

نمره ۹۵

سلخ ماه اپریل

درباب آب شهر

خواجه مظفر بتکچی ۱۷۸ دوسنگ آب رودخانه زیارت خاصه رود را وقف بر عامه شهر و شرب اهالی قرار داده چند سال بود آقاسید جمال آب مزبور را اجاره داده بیرون شهر و زراعت شلتوک بسته، فصل تابستان نهایت سختی به اهالی می‌شد. انجمن استرآباد در این مدت کاری که صرفه برای ملت داشته قدغن این دوسنگ آب بود که بیرون شهر زراعت نمایند. شب و روز در تمام خانه‌ها آب مذکور گردش می‌نماید.

درباب سربازها

به عرض رفته بود بعد از حرکت نواب امیراعظم سرباز دامغانی فرار کردند. مجدداً مأموری به دامغان رفته تمام سرباز را به استرآباد عودت دادند.

درباب چپاول مال

بیستم ماه اپریل خبر رسید سوار طایفه ایلغی یک رأس اسب، یک رأس مادیان از قریه معصوم آباد دوفرسخی شرقی چپاول کرده بودند.

درباب عروسی تراکمه

حاجی یک‌لک ترکمان آتابائی هفت روز عروسی نمود. تمام سوارهای یموت را در عروسی دعوت کرد. حاج شیخ حسین به قرب دو بیست نفر پیاده از کرمحله و سایر دهات به شهر آورده نیم فرسخی شهر بسخو و محافظت نمایند. بیست و دوم نوزده سوار ترکمان آتابائی در صورتیکه بسخوی ولایتی را می‌دانستند به سمت قریه توشن جنوبی شهر آمده ششصد گاو گالش در آنجا بود چپاول نمایند. صاحبان گاو هم چند شب بود کشیک می‌کشیدند، نزدیکی قریه توشن سوار تراکمه رسیده آقا عبدالکریم میدانی یک نفر گلدی نام ترکمان را تیرزده از اسب افتاد که سردار تمام طایفه آتابائی بود. صبح سر آن را بریده منزل ساعدلشکر برده دوازده تومان حاج شیخ حسین و غیره به حامل سرانعام نموده نعش ترکمان را چند روز در عوض گاوهای زیارتی نگاه داشته اثری به ظهور نرسید. به سبب انقلاب ترکمانها و اهمه کرده بعد از شش روز نعش را فرستادند.

درباب تلگراف وزیر داخله

بیست و چهارم ماه اپریل وزیر داخله تلگرافی به اهالی انجمن استرآباد نمود.

تعرض نواب امیراعظم و نرسیدن حقوق سرباز و غیره به واسطه استعفای وزراء بود. اینک باکمال امیدواری برای رفاهیت حال عمومی اظهار می‌دارد که فردا به توسط بانک بیست هزار تومان وجه به ایالت رسانیده به استرآباد خواهند آمد.

درباب تلگراف ایالت

ایضاً نواب والا تلگرافی به ساعد لشکر نمود بر حسب میل وزارت داخله، بموجب رسیدن وجه... ۱۷۹ قاعه نو بسطام به صحرای قرق آمده شمارا احضار خواهم نمود. صمصام لشکر عاجلاً به شاهرود آمده و شما حفظ سرحدی را بنمائید.

درباب تحصن قونسلخانه روس

قتل میرسعیدالله خان و غارت اموال علی محمدخان را از استرآباد به جناب آخوند ملا محمد کاظم خراسانی عریضه داده بودند، حکمی در این باب به انجمن استرآباد فرستاده در صورتیکه شخص مستبد شد قتل آن واجب، لکن اموال آن تعلق به ورثه آنها می‌گیرد ۱۸۰. از قرار معلوم انجمن استرآباد بی جهت باعث قتل میر سعیدالله خان شده. اموال ایشان را اهالی غارت کرده حرام است. باید تمام املاک و اموال غارت شده آنها را به ورثه مسترد دارند. قبل از رسیدن این حکم حاج شیخ حسین حکمی به مهر انجمن و امضای شخصی به علی اکبر خان داده املاک خود را تصرف نمایند. به توسط حاج محمد رضا و رمضانعلی قاضی حاج شیخ حسین از حکم مزبور نکول نموده در عدلیه انجمن کرده جواب آخوند ملا کاظم را به دلایل معترضه اظهار داشته امر به قتل پسرهای ایلخانی و علی محمدخان نمودند. آقا حسینقلی منشی عدلیه فوراً استعفا داده ۲۶ ماه آپریل توسط میرزا داودخان، علی اکبر خان سرتیپ و آقاخان سرتیپ به قونسلخانه روس پناهنده شدند. مدیر روس پیغام به انجمن داده در باب املاک و اموال ورثه ایلخانی و علی محمدخان به موجب حکم قانونی که از طرف ملا [محمد] کاظم خراسانی رسید باید مسترد شود. هر آینه تسامح نمایند قونسولگری استرآباد لابد است همراهی برای حفظ اموال و املاک آنها نموده آسوده باشند.

درباب قتل تراکمه - یاغی به کردستان رفته

به عرض رفته بود تلگرافچی رامیان برای تراکمه یاغی که به کردستان رفته را پرت به حاج شیخ داده، دو بیست نفر مقتول و مجروح تماماً را دروغ تلگراف نموده واقع این است رفتن چهار صد نفر سوار گوکلانی و قراداغلی به سمت جاجرم و قتل شش نفر جاجرمی، چپاول شش هزار گوسفند و صد رأس مال گرفته مراجعت به دهنه گوکلان پیاده شده خستگی در نمایند. شیخ عبدالحسین رمیانی با صد نفر پیاده رسیده از روی کوه به آنها تفنگ می‌زند. تراکمه مضطرب الحال بعضی پیاده و برخی سواره اطراف شیخ عبدالحسین را گرفته

۱۷۹ - دو کلمه از لب عکس محو شده خوانده نمی‌شود.

۱۸۰ - اصل: می‌گیرد.

تفننگ می‌زنند. تمام سوار یموت از دهنه گذشته اموال غارت شده را گذارده هشت نفر ترکمان مقتول، متجاوز صد رأس اسب دستگیر و سقط شده، هشت نفر تراکمه را سربریده به شاهرود بردند.

درباب تلگراف نواب امیر اعظم

بیست و نهم ماه مذکور نواب والا تلگرافی به حاج شیخ حسین و ساعد لشکر نموده سرباز و سوار و توپخانه را حرکت داده به صحرای قرق فرستاده اردو بیندازند، من هم از دهنه زرین گل به اردو خواهم آمد. اعضای انجمن تلگراف نمودند تکلیف حضرت والا این است که به استرآباد آمده بعد به آن سمت بروید. تاجه قضا کند.

نمره ۹۶

۷ ماه می

درباب انجمن کتول

میرزا شریف برادر میرزا جعفر خان منشی قونسول که اگنط بار فروش بوده معزول، حاج مشارالدوله رئیس عدلیه او را به ریاست انجمن کتول انتخاب کرده. در ضمن آقاخان پسر علی محمدخان مرحوم املاک شخصی خود را به او اجاره داده رسیدگی نماید. رفتن میرزا شریف به کتول حاج شیخ حسین و رمضانعلی قاضی به مباشرین آنجا نوشته او را رانده‌اند. میرزا شریف مذکور دویم ماه می به کتول رفته کدخدایان کتول فوراً از مشارالیه جلوگیری سخت کرده حتی نگذاشتند از اسب پیاده بشود. از شدت نامربوط مراجعت به شهر نمودند.

درباب نزاع ترکمان با الوکلاه

دو نفر ترکمان طایفه آن اتابائی با رسول نام الوکلاهی خونی بوده خواستند او را به قتل برسانند. ترکمان دیگر ممانعت کرده تفنگ رسول نام را گرفته رفتند. روز دیگر چند نفر رعیت الوکلاه سر راه رفته تراکمه آق به سمت اتراچال یک فرسخی مشرقی می‌آمدند تفنگ می‌زنند یک نفر را یا بفرستید یا جواب نمائید. حاج شیخ حسین جواب داده مرتکبین را در حبس نگاه داشته تا ورود ایالت مجازات خواهند نمود. چون مرتکبین را حاج شیخ مرخص کردند خبر به ترکمانها رسید. شب چهارم ماه مذکور طایفه آق الوکلاه رفته یک نفر را تفنگ زده فرار کردند. لکن زخم کاری نیست.

درباب ورود ایالت

ایضاً نواب والا امیر اعظم از راه ابر ۱۸۱ به کتول وارد تلگرافاً ساعد لشکر را

احضار نموده لدی الوورد هفت نفر مباشرین و سران کتولی را گرفته حبس نمودند که مالیات کتول را بدهند. تاجه اقتضا کند.

در [باب] چپاول گوسفند

روز ششم ماه می صد نفر سوار جعفر بائی مقارن ظهر صحرای عراقی یک فرسخی شمالی آمده چهار بلوک گوسفند به قرب هزار و پانصد رأس با پنجاه گاو متعلق به کریم آبادی نیم فرسخی شهر با پنج نفر چوپان چاپیده بردند.

درباب احضار تراگمه

هفتم ماه مذکور امیر اعظم سران طایفه جعفر بائی و آتابائی [را] در کتول خواسته تخمیناً صد و پنجاه نفر خوانین و سران یموت رفتند. لکن شهرت دارد گوسفند و گاو قریه کریم آباد را به اجازه ایالت چپاول کردند.

درباب سرقت مال

شب هفتم ماه می دزد طایفه آتابائی دو رأس گاو، یک رأس مال از قریه اوجابن یک فرسخی شمالی به سرقت بردند.

نمره ۹۷

۱۸ ماه می

درباب نزاع بین حسین خان کلبادی [و حاج جعفر خان]

سالار مکرم قبل از رفتن به طهران به میل رعایا کلاتری املاک را به پسرش حاج جعفر خان داده، هشتم ماه می خبر رسید بین مشارالیه و حسین خان سرهنگ عمویش برای کلاتری نزاع گردیده در سرپل نگاه زده خوردی کرده، دوسه نفر طرفین مجروح شدند.

رفتن مدیر [به] جهان نما

معزی الیه به اسم تعیین بیلاق کجاوه نشسته به جهان نما رفتند. لکن مقصود عمده برای حفر بعضی اراضی جهان نما بوده، خیانتاً قبل از رفتن جهان نما در گرمابدشت چهار فرسخی مشرقی رفته دوشب برای این کار توقف داشته اثری به ظهور نرسید.

درباب متحصنین

وزیر مختار دولت روس برای متحصنین سفارش به مدیر نموده بودند. لکن وزیر

داخله باوزیر جنگ تلگرافی به ایشان کرده بودند که برای اموال شماها تلگراف سخت به ایالت استرآباد شد، اموال را گرفته مستردبدارد و خونی میرسعیدالله خان ایلخانی را هم به دست آورده مجازات خواهم نمود و بودن شماها در قونسولگری روس باعث تکسر خواهد بود و البته خودتان را از آن نقطه خارج نمائید. کمال مرحمت و همراهی در وصول اموال غارت شده می شود.

درباب حرکت اردو

دهم ماه مذکور ایالت ساعدلشکر را بایک عده و وجهی فرستاده سربازها را با اجزاء توپخانه مقداری وجه و لباس داده بیست هزار فشنگ، چهار عراده توپ دوازدهم ماه می حرکت داده به اتفاق رئیس عدلیه به اردوی کتول رفتند.

درباب احضار تراکمه

به عرض رفته بود حسب الامر جمعی از تراکمه به کتول رفتند. ایالت تماماً را وجه نقد و خلعت و مهربانی کرده مرخص نمودند. قرار با ترکمانها داده در موقع لزوم هر قدر سوار لازم باشد از جعفربائی و آتابائی به اردو بروند.

درباب تعیین نایب الحکومه

حاج مشارالدوله رئیس عدلیه که به کتول رفته بودند برای رسیدگی کارهای ولایتی، نواب امیراعظم ایشان را نایب الحکومه قرارداده دوازدهم ماه می مراجعت نمودند.

درباب احضار متحصنین

ایضاً خبر رسید چند نفر تریاکی و شیره کش که در گنبد قابوس بودند کموسر امر کرده تماماً را از آنجا بیرون نمودند.

درباب کموسر روس

آقا حسینقلی و آقا محمدابراهیم که از عدلیه استعفا داده با پسرهای ایلخانی و پسر علی محمدخان همراه شده اند نواب والا به توسط آنها کاغذی به متحصنین نوشته و اطمینان کامل داده از قونسولگری بیرون آمده به کتول بروند که اموال غارت شده آنها [را] به امر جناب آخوند ملا محمد کاظم خراسانی سلمه الله و اولیای دولت علیه از مردم گرفته مسترد بدارد. چهاردهم ماه مذکور مدیر روس از جهان نما مراجعت کرده، علی اکبرخان سرتیپ و آقاخان سرتیپ جواب ایالت گفتند که ماها اطمینان نداریم، به توسط کفیل کارگذاری در این باب با مدیر سؤال و جواب شده، مشارالیه جواب داده من که آنها را نگاه نداشتم شما بروید ایشان را راضی نمائید و انجمن ملتزم بشوند که اموال غارت شده را مسترد [دارند] و جان آنها به هدر نباشد. حرفی ندارم. تاچه اقتضا کند.

درباب احضار نماینده انجمن

شب ۱۶ نواب والا تلگرافاً چهار نفر نماینده از انجمن ولایتی طلبیده به کتول بروند. حاج شیخ حسین و اعضای انجمن واهمه کرده مبدا ایشان را نگاه دارد. جواب دادند ما را به اردو کاری نیست. در ضمن اهالی کتول و فندرسک و رامیان را اعضای انجمن محرك می باشند که ایالت را از آنجا به افتضاح بیرون نمایند. تا چه اقتضا کند.

درباب نجات چوپانها

ایضاً به اجازه امیر اعظم پسر حاج محمدخان ترکمان پنج نفر چوپان کریم آبادی را رها نمود و گوسفندها را ندادند.

درباب مرض آبله

به قرب پنج ماه است مرض آبله در شهر و دهات شدت نموده به قرب سیصد طفل ده ساله و پانزده ساله به این مرض فوت شدند.

درباب ورود سوار

هفدهم ماه می تخمیناً شصت نفر سوار مازندرانی وارد به استرآباد گردیده صبح هیجدهم به اردوی کتول رفتند.

نمره ۹۸

۲۵ ماه می

درباب حرکت اردو

نوزدهم ماه می نواب والا بعد از وصول مالیات کتول و اخذ اموال غارت شده سالار معزز را برای خود، به فندرسک رفتند.

درباب تراکمه ایلغی

شب بیستم ماه مذکور دزد طایفه ایلغی به قریه سرخونکلاته دوفرسخی شرقی رفته یک نفر چوپان سارقین را تفنگ زده به صحرارفته فوت شد. شب دیگر چند سوار ایلغی برای تقاص آمده اهالی قریه خبردار شده فرار کردند.

درباب تخلیه منزل ایلخانی

حسب الامر نواب والا مبشر همایون رئیس نظمیه منزل میرسعدالله خان ایلخانی را تسلیم علی اکبرخان سرتیپ نمود و در عمارت دیوانخانه منزل نمودند.

درباب انجمن کردمحلہ

بیست و یکم ماه می منصوب رئیس عدلیہ میرزا شریف برادر میرزا جعفر منشی بہ اتفاق شیخ سلیمان کہ چندی در عدلیہ محرر بود بہ کردمحلہ فرستادند کہ انجمن آنجا را منعقد و امورات را رسیدگی نمایند. تاچہ اقتضا کند.

درباب متحصنین قونسولخانہ

ایضاً نواب والا عبدالکریم خان ناظر خود را بہ شہر فرستاد، بہ توسط کفیل کار گذاری علی اکبر خان و آقاخان سرتیپ را از قونسولخانہ حرکت بدهد. ایشان جواب دادہ بدون اجازہ مدیر نمی توانیم حرکت نمائیم. ناظر مذکور کاغذی بہ ایالت معروض داشتہ نواب والا شخصاً سندی بہ مدیر قونسولگری نوشتہ کہ متحصنین جاناً و مالا محفوظ بودہ، با ایشان از قونسولخانہ بیرون آمدہ خدمت ایالت بردند.

درباب ورود سوار

بیست و سیم ماه مذکور چهل نفر سوار افغان قرہ تپہ ای وارد گردیدہ، صد سوار کرد [و] ترک ہم بعد خواهند آمد.

درباب آقاسید یعقوب

یکہ باغ در مشرقی شہر واقع متعلق بہ آسید یعقوب ۱۸۲ جزئی آب از دهنہ زیارت خاصہ رود ملک موروثی مشارالیه کہ ہمہ سالہ دریکہ باغ زراعت می نمود شیخ حمزہ بہ ہمراہی حاج شیخ حسین آب سید یعقوب را داخل آب اوزینہ کردہ بہ تقویت اعضای انجمن دو مرتبہ ملازم سید یعقوب را چوب مفصلی زدہ آب را ندادند. سید مذکور خدمت ایالت رفتہ مأموری برای آب آوردہ رفتند و سهمی آب خود را مجزا کردہ در ملک یکہ باغ بستند، بعد از دوروز شیخ حمزہ رعایای اوزینہ را برداشتہ سردرگ ۱۸۲ رفتند، قزاق مأمور را با ملازم سید یعقوب چوب مفصلی زدہ آب را بہ قریہ اوزینہ بردند، بہ این جهت چند روز است اهالی محلہ میدان ازدحام نمودہ خیال دارند نزاع سختی برای اخذ آب بہ حمایت آقا سید یعقوب نمایند. لاکن حاج سید طاہر مجتہد بہ ملاحظہ اتہام خود و پسرانش مخالفت نمودہ مبادا قتل واقع شود.

حرکت اردو بہ رامیان

بیست و پنجم ماه می خبر رسید نواب والا از فندرسک حرکت بہ سمت رامیان کردہ و قلیچ ایشان را برای مالیات گوکلان احضار نمودند. تاچہ شود.

۱۸۲ - نسبت نام این شخص خواندہ نمی شود (سرمجیدی؟).

۱۸۳ - کذا، نامشخص است.

نمره ۹۹

غره ماه جون

درباب بی احترامی شیخ محمد مجتهد

حاج محمدطاهر از طایفه کلاتریها چندی قبل با شخصی طرف گفتگو بوده منزل شیخ محمدآهنگر محله مرافعه می‌روند. شیخ مذکور از مدعی وجهی محرمانه گرفته حکمی می‌دهد. حاج محمدطاهر ۲۶ ماه می‌منزل شیخ محمدرفته اظهار داشت که شما بی‌جهت چرا حکم داده‌اید. شیخ تغییرانه قلمدان را به‌سوی حاجی انداخته پیشانی حاجی را مجروح [می‌کند]. حاج مذکور بلندشده شیخ محمدر را به‌باد کتک گرفته شیخ محمد فرار کرد. بعد از ساعتی کسان حاج محمدطاهر در محله درب‌نو خبردار شده جمعی برای گرفتن شیخ محمد رفته سنگ زیادی به‌خانه مشارالیه ریخته، معلوم شد که شیخ فرار کرده. نامربوط زیادی به‌عیال او گفتند.

درباب سرقت پول

بیست و هفتم ماه مذکور يك نفر ترکمان آتابائی درب دکان هادی نام قاجار قدری تأمل کرده می‌رود. بیرون دروازه رفته فوراً مراجعت نمود که سی تومان وجه درب‌دکان گذاشتم و به‌عدلیه رفته عارض شد. ستارخان معاون نظمیه پانزده نفر پولیس برای گرفتن هادی نام آمده هادی و تقی و حسینقلی سه برادر تفنگ گرفته برای ستارخان خالی کرده معزی‌الیه فراراً به‌عدلیه رفته اظهار داشت به‌سبب هرج ۱۸۴ و مرج بودن دوباره کسی معترض هادی نگردیده. لکن تعدیات عدلیه و حرکات غیرقانونی تمام مردم را به‌هیجان آورده و کسی هم در عدلیه نمی‌رود.

درباب بارندگی

۲۸ ماه می از کثرت باران و برق و صاعقه از جوانب سیل‌روان شد. در قریه جابن يك فرسخی شمالی يك نفر را توی خانه برق سوزانیده فوراً فوت [شد] و چهار نفر دیگر از میبت آن بیست و چهار ساعت مدهوش بودند.

درباب متحصنین قونسولخانه روس

ایضاً نواب امیراعظم نوشته به‌توسط عبدالکریم خان ناظر و کفیل کارگذاری به قونسولگری فرستادند که اموال و املاک مرحوم ایلخانی و سالار معزز متعلق به پسرهای ایشان است، در تصرفات املاک خود مختارند. به‌امضای انجمن ولایتی نوشته مزبور را مدیر روس ضبط کرد. آقاخان مفاخرالملك و علی‌اکبرخان اکرم‌الملك از آنجا خارج

شده منزل خود آمدند. در صورتیکه آخوند ملا محمد کاظم برای اموال ایشان کراراً به رئیس انجمن استرآباد نوشته ابدأ کسی اعتنائی به حکم معظم‌الیه نکردند.

در باب چهار اسیر شهری

بیست و نهم ماه می جمعی از سواراهالی شهر برای آوردن علف يك فرسخی شمالی رفته، تراکمه جعفربائی آمده چهار نفر با چهار رأس مال را گرفته بردند.

در باب رفتن مدیر به بارفروش

روز مذکور مدیر روس برای مطالبات اتباع خود از راه خوجه نفس به بارفروش رفته شب را بندر جز می رود. خبر دادند که در ساری دو نفر ارمنی تبعه روس از جانب صنیع الدوله درمازندران چای کاشته بودند. در قریه سمس‌کنده يك نفر رعیت رامقنول و ایالت ساری آنها را گرفته حبس کرد. بعد رعایای سمس‌کنده ازدحام کرده توی دیوانخانه ریخته دو نفر ارمنی را به قتل رسانیدند. مدیر مذکور سی ام ماه می میرزا جعفر منشی را از بندر برای فرستادن به ساری احضار کرده رفتند.

در باب سیل عظیم و قتل دو نفر

ایضاً در این هفته همه روزه بارندگی شدید و برق و صاعقه از اطرف سیل عظیم جاری، سلخ ماه می کربلائی غلامرضا کرمی بایک نفر بچه درویش از راه بندر جز عازم شهر بودند، يك ساعت به غروب رودخانه انجیراب نیم فرسخی مغربی رسیده داخل رودخانه شدند. سیل مزبور کربلائی غلامرضا و بچه درویش [را] برده محاذی قریه اجابن انداخت. روز غره ماه جون جمعی از کرمی‌ها رفته نعش غلامرضا و بچه درویش را پیدا کرده به شهر آورده دفن کردند.

نمره ۱۰۰

۸ ماه جون

در باب سرقت

شب دویم ماه جون پنج نفر ترکمان طایفه داز به شهر آمده دو رأس الاغ متعلق به سید افضل کرمی تبعه دولت فخمیه را به سرقت بردند.

حرکت اردو

ایضاً خبر رسید نواب والا بعد از گرفتن مالیات رامیان پانصد تومان از نجف بیک کلاتر جریمه و چوب مفصلی زد. شیخ عبدالحسین رامیانی را نامربوط زیادی گفته